

فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده

سال دهم، شماره ۳۴، بهار ۱۳۹۵

اثر بخشی آموزش الگوی روابط کلامی بر کاهش تعارضات مادر - دختر

مبثنی بر آیات قرآن کریم

مریم قاسمی یزدابادی^۱

معصومه اسماعیلی^۲

سید محمد کلانتر کوشه^۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۲/۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۵/۲۲

چکیده

هدف این پژوهش، اثربخشی آموزش الگوی ارتباط کلامی مبتنی بر آیات قرآن کریم بر کاهش تعارضات مادر - دختر با سه گروه آزمایش و یک گروه گواه است؛ بدین منظور به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین نواحی شهری شهرستان اصفهان یک ناحیه و سپس به صورت تصادفی از بین مدارس آن ناحیه، یک مدرسه (دبیرستان دوره اول دخترانه)، انتخاب، و از طریق فراخوان، دختران دارای تعارض با مادران خود انتخاب شده‌اند. پس از مصاحبه و مشخص شدن تعارض والد - فرزند، ۳۲ نفر از بین افراد انتخاب شدند و به صورت تصادفی در سه گروه آزمایش (گروه مادران، گروه دختران و گروه مادران - دختران) و یک گروه کنترل قرار گرفتند. از «مقیاس شیوه‌های تعارض اشتراک» برای اندازه‌گیری میزان تعارض در پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده شد. سرانجام، داده‌ها به کمک تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که آموزش الگوی ارتباط کلامی مبتنی بر آیات قرآن کریم بر کاهش تعارضات مادر - دختر نوجوان شرکت‌کنندگان در گروه‌های آزمایش تأثیر معنی‌داری دارد. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که ارائه الگوی ارتباط کلامی مبتنی بر آیات قرآن کریم، شیوه مناسبی برای کاهش تعارضات مادر - دختر نوجوان است.

کلید واژه‌ها: روابط کلامی، آیات قرآن کریم، تعارض مادر - دختر، نوجوان.

۱ - نویسنده مسئول: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی (ره) gmaryam261@gmail.com

۲ - دانشیار گروه مشاوره. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

۳ - استادیار گروه مشاوره. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

مقدمه

در دوران نوجوانی، تعارض والد - فرزند افزایش می‌یابد و والدین و نوجوانان کمتر با یکدیگر صمیمی هستند. از طرفی، تواناییهای جدید استدلال کردن نوجوانان نیز می‌تواند در افزایش تنش خانوادگی دخالت داشته باشد؛ در عین حال، درخواست فرزندان از والدین برای اینکه با آنها مانند بزرگسالان رفتار کنند، دوره‌های موقتی تعارض به بار می‌آورد (درویش محمدی، ۱۳۹۱). هم‌چنین تغییرات مختلفی که در دوره نوجوانی اتفاق می‌افتد، موجب خودمختاری و فاصله‌گیری روانی از والدین می‌شود (برک^۱، ۱۳۹۲). نفس بلوغ با افزایش فاصله بین والدین و نوجوانان ارتباط دارد و این افزایش فاصله دو طرفه صورت می‌گیرد؛ همان‌طور که نوجوانان خلوت و تنهایی را ترجیح می‌دهند، والدین نیز عقب نشینی می‌کنند (میکوچی، ۱۳۹۲). پیامبر اسلام (ص) در سیره تربیتی خود این دوره را از لحاظ غلبه شور و هیجان به دوره‌ای دور از رفتارهای خردمندانه ارزیابی کرده‌اند: «نوجوانی نوعی جنون و از خود بیخود شدن است» (مجلسی، ۱۳۸۸، ج ۲۱: ۲۱۱). به دلیل تحولات مهم و حساسی که در این دوره برای انسان رخ می‌دهد، این مرحله از زندگی از اهمیت فوق‌العاده و چشمگیری برخوردار است (تمیمی، ۱۳۸۱).

هورنای عقیده داشت که نیروهای اجتماعی در کودکی بر رشد شخصیت تاثیر دارند، و مهمترین رابطه اجتماعی، ارتباط بین والدین و کودک است، او تاکید می‌کرد که احساس درماندگی در کودکان به رفتار والدین بستگی دارد (شولتز و شولتز^۲، ۱۳۹۰). به نظر می‌رسد که بیشتر نوجوانان و والدینشان می‌توانند با تعارضاتی که پیش می‌آید، مقابله کنند؛ اما در بعضی موارد در رابطه والد - نوجوان اختلال شدید و در نتیجه پیش‌زمینه‌ای از روابط نامناسب بین والد و کودک به وجود می‌آید. این گونه روابط اغلب با پیامدهای منفی چون رفتار بزهکارانه و اختلالات روانشناختی همراه است (بیابانگرد، ۱۳۷۶).

عدم توانایی مادر در استقلال دادن به کودک، و اولویت دادن به نیازهای خود، رابطه میان آنها را از همان ابتدا مخدوش می‌کند. خرده‌گیری زیاد از حد مادران باعث دوری دختران از آنها می‌شود. بیشتر مادران حتی هنگام تشویق دخترانشان هم، کمی خرده‌گیری با آن همراه می‌کنند؛ به‌عنوان مثال: "چقدر اتاقت را خوب مرتب کرده‌ای؛ کاش همیشه همین‌قدر مرتب بودی"

1 - Berk. Laura

2 - Schultz.j & Schultz

(فرایدی^۱، ۱۳۸۷).

از جمله پیامدهای منفی تعارض والد - فرزند، می توان به خشونت، نزاعهای خانوادگی، فرار از خانه، اعتیاد، افسردگی، اضطراب، ناامنی، بی‌اعتنایی، بی‌اعتمادی و نظایر آنها اشاره کرد (معیدفر و خسروشاهی، ۱۳۹۰). تعارض بین والد - فرزند و حل موفقیت‌آمیز این تعارضات، موجب تجهیز نوجوانان در انطباق و یادگیری مهارتهای گفتگو، و اقدام مثبت فوری در حل تعارضات موجب بهبود روابط والد - فرزندی می‌شود. هنگامی که تعارض به‌وجود می‌آید، اگر راهکارهای مقابله‌ای مفیدی به کار برده شود، موجب محکمتر شدن روابط می‌شود ولی چنانچه طرفین درگیر در تعارض چگونگی برخورد صحیح را ندانند نه تنها تعارض موجود حل نمی‌شود بلکه رابطه دچار آسیب می‌شود (گیتی پسند، ۱۳۸۷). مسئله اصلی در دوره نوجوانی سازماندهی دوباره رابطه والد - فرزندی است؛ زیرا در این دوره معنای خود گسترش می‌یابد و از محدوده والدین به دنیای دوستی گسترده می‌شود و بر رابطه والد - فرزندی تأثیر می‌گذارد (علیزاده، ۱۳۸۰).

هارجی (۱۳۸۸)، مهارتهای ارتباطی، رفتارهای مشخص و دانش هر موقعیت را برای ایجاد ارتباط بین فردی سودمند می‌داند. به اعتقاد او مهارتهای ارتباطی، هدفمند و عمدی، و شامل سطوح بالایی از کنترل شناختی است و در آن بر رفتاری تأکید می‌شود که هماهنگ و مخصوص موقعیت باشد و از طریق تمرین و بازخورد بهبود می‌یابد. وی فرایندی بودن، هدفمند، وضعیت مناسب، گوش دادن، کنترل شناختی و رفتار بین فردی را از عناصر مربوط به مهارتهای ارتباطی می‌داند.

گفتگو، بخش مهمی از ارتباطات میان فردی را به خود اختصاص می‌دهد؛ لکن افراد معدودی مهارتهای ایجاد رابطه مؤثر را دارا هستند؛ چه، مهارتها و شیوه‌های برقراری ارتباط، یادگرفتنی و آموختنی است و نبود آنها، سردی و بی‌اثر بودن یا قطع روابط و گاه بروز تنشهای فراوان در میان گروه‌های مختلف را از محیط خانواده تا سطح جامعه در پی دارد. بر این اساس، تحقیق و پژوهش و نیز آموزش شیوه‌ها و راهکارهای برقراری ارتباط مؤثر براساس آموزه‌های دینی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (موسی زاده، ۱۳۸۹).

یکی از معروفترین و رایجترین روشهای حل مشکلات و پیشامدهای درون خانواده، استفاده از روش گفتگو است. دارا بودن مهارت روابط کلامی، روح حاکم بر گفتگوها در محیط خانواده است تا از این طریق بتوانند نظر خود را با یکدیگر در میان بگذارند و چالشها و تعارضات احتمالی

را حل کنند (مخاطب، ۱۳۹۱). فراهم کردن زمینه مناسب گفت و گو، یکی از راهکارهایی است که برای برقراری ارتباط گیری الزامی است. با به وجود آوردن بستر مناسب گفت و گو می توان به اوضاع روحی، جسمی و محیطی فرد مخاطب توجه، و زمینه مطلوب ادامه ارتباط را فراهم کرد. ارتباطات مجموعه ای از مهارتهاست، کسب هر کدام از این مهارتها در ادامه یافتن ارتباط میان فردی در مسیر صحیح نقش مؤثری دارد (رفعتی، ۱۳۹۳).

انسان از کلمات برای بیان خویش و معنا بخشیدن به زندگی و فعالیتهايش استفاده می کند. کلمات از آن رو که وسایل انتقال اطلاعات و خلق پیامها است، کار مهمی انجام می دهد، کنار هم قرار گرفتن کلمات، اتفاقی نیست. نظام زبانی شامل منطق ترتیب است که وقتی دنبال شود، باعث انتقال مؤثر پیامها می شود (کول^۱، ۱۳۷۶). در قرآن مجید از ظرایف و دقایق بسیاری درباره مناسبات فردی و اجتماعی انسان با خداوند، خود، دیگران و طبیعت سخن رفته است. بر اساس گفتگوهای قرآنی می توان به این نکته توجه کرد که گفتگوهای گوناگون مطرح شده در قرآن کریم، نشاندهنده روشهای مختلف برخورد با تعارضات بین افراد در این گفتگوها است (خوش منش، ۱۳۹۳). قول در قرآن به معانی مختلفی به کار رفته است که یکی از آنها سخن معمولی و رایج بین مردم است. در این مورد انسانها به زبان خوش و دارای بخشش سفارش شده اند^(۱) (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳). انسان به دو صورت شخصیت خود را به جهان پیرامونش بروز می دهد: یکی رفتار و دیگری گفتار. اصول مربوط به گفتار شامل اصلهایی است که آدمی باید در گفتگوهایش با دیگران رعایت کند. برخی از این اصول عبارت است از نیکویی سخن و پرهیز از لغو (نوید و فائق، ۱۳۹۴).

از این رو موضوع ارتباطات و بویژه ارتباطات کلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است که ریشه آن را در متن محوری و کلام محوری ادیان ابراهیمی و به صورت خاص در اسلام و بویژه در کلام الله مجید باید جست. از این رو، بررسی دیدگاه قرآن مجید درباره ارتباطات کلامی و نقش حیاتی آن در کاهش ناهنجاریها و آسیبهای فردی و اجتماعی بویژه در دنیای معاصر اهمیت و ضرورت دوچندان می یابد. تک تک آیات قرآن، الگوی ارتباطات کلامی میان فردی به شمار می آید. اگر بر این مباحث آداب قرآنی سخن گفتن را در موقعیت های گوناگون بیفزاییم بروشنی درمی یابیم که قرآن، چه منبع غنی و ژرفی برای افزایش سطح کمی و کیفی مهارتهای ارتباطی و بهبود ارتباطات کلامی میان فردی در راستای ساماندهی، بهسازی و پیشگیری از آسیبها و

ناهنجارهای جامعه است (احمدزاده، ۱۳۹۲).

این پژوهش در پی یافتن تأثیر آموزش الگوی روابط کلامی مبتنی بر آیات قرآن کریم بر کاهش تعارضات مادر و دختر است.

روش پژوهش

از دید روش‌شناختی، داده‌ها به دو روش کمی و کیفی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت که در پژوهش کمی از روش تحلیل کوواریانس، و در روش کیفی از روش هرمنوتیک استفاده شد. هرمنوتیک عملیاتی است فهمی، که در حوزه علوم اجتماعی و انسانی مطرح است. در ترکیب افق معنایی مفسر با افق معنایی متن، ذهنیت مفسر در فهم معنایی آیات دخالت دارد؛ اما اصل تفسیر، متن محور خواهد بود نه مفسر محور. پس از جمع‌آوری آیه‌های مرتبط با آداب گفتگو در قرآن کریم، این آیات در زیر عناوین مقالات قرآنی و هم‌چنین تفاسیر مختلف دسته‌بندی شد. پس از آن جدولهایی با عنوان فرایندهای الگوی روابط کلامی مبتنی بر قرآن کریم، محتوای الگوی روابط کلامی مبتنی بر قرآن کریم و فنون الگوی روابط کلامی مبتنی بر قرآن کریم، دسته‌بندی، و براساس این جدولها، الگوی روابط کلامی مبتنی بر قرآن کریم استخراج، و بر اساس آن دستورالعمل آموزشی طراحی شد.

جامعه آماری پژوهش، دانش‌آموزان مقطع دبیرستان دوره اول شهر اصفهان و مادران آنها در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین نواحی شهری شهرستان اصفهان یک ناحیه و سپس به صورت تصادفی از بین مدارس آن ناحیه، یک مدرسه (دبیرستان دوره اول دخترانه)، انتخاب و سپس فراخوان داده شده است و دختران دارای تعارض با مادران خود انتخاب شده‌اند. پس از مصاحبه و مشخص شدن تعارض والد - فرزند، ۳۲ نفر از بین افراد انتخاب شدند و به صورت تصادفی در سه گروه آزمایش (گروه مادران، گروه دختران و گروه مادران - دختران) و یک گروه کنترل قرار گرفتند. موافقت خانواده‌های نوجوانان دختر شرکت‌کننده در گروه دختران جلب شد.

ابزار پژوهش: از «مقیاس شیوه‌های تعارض موری ای. اشتراس» استفاده شد. این مقیاس، ۱۵ سؤال دارد که برای سنجش سه شیوه حل تعارض، (استدلال^۱، پرخاشگری کلامی^۲ و خشونت^۳)

بین اعضای خانواده تدوین شده است. این مقیاس دارای سه فرم است: تعارض با برادر و خواهر، تعارض با والدین و تعارض مادر - پدر. در این پژوهش از فرم تعارض با والدین (تعارض با مادر) استفاده شد. پرسشهای «مقیاس شیوه‌های تعارض اشتراک» گویای رفتارهایی است که فرد در موقعیت تعارض با اعضای خانواده به آنها دست می‌زند، و نمره‌های آن تعداد دفعاتی است که رفتار مورد نظر در سال گذشته رخ داده است. پنج سؤال اول این پرسشنامه، استدلال، پنج سؤال دوم، پرخاشگری کلامی. پنج سؤال سوم پرسشنامه، پرخاشگری فیزیکی را می‌سنجد. نمره کل نیز به سطح تعارضات موجود اشاره دارد. پژوهشهای متعددی، همسانی درونی خرده مقیاسهای استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی را تأیید می‌کند. دامنه ضریب آلفای کرونباخ مقیاس استدلال بین ۰/۴۲ تا ۰/۷۶، مقیاس پرخاشگری کلامی بین ۰/۶۲ تا ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس پرخاشگری فیزیکی بین ۰/۴۲ تا ۰/۹۶ به دست آمده است (ثنایی ذاکر، ۱۳۷۹).

پس از اجرای پیش‌آزمونها، دانش‌آموزانی که بالاترین سطح تعارض را دارا بودند به‌صورت تصادفی در سه گروه آزمایش و یک گروه گواه، جایگزین شدند. گروه گواه تحت هیچ آزمایشی قرار نگرفت. گروه‌های آزمایش، طی نه جلسه ۷۰ دقیقه‌ای، تحت آموزش آگاهی از روابط کلامی مبتنی بر قرآن کریم قرار گرفتند.

اهداف جلسات درمانی:

جلسه اول: آشنایی اعضای گروه با یکدیگر، قوانین گروه، اهداف جلسات و نوع تعارضات

دیگر اعضا

جلسه دوم: بحث در مورد اصل حسن مطلع و حسن ختام

جلسه سوم: بحث در مورد اصل کریم بودن

جلسه چهارم: بحث در مورد اصل معروف بودن

جلسه پنجم: بحث در مورد اصل فصاحت و بلاغت

جلسه ششم: بحث در مورد اصل نرمی کلام

جلسه هفتم: بحث در مورد محکم بودن کلام

جلسه هشتم: بحث در مورد اصل میسور بودن کلام

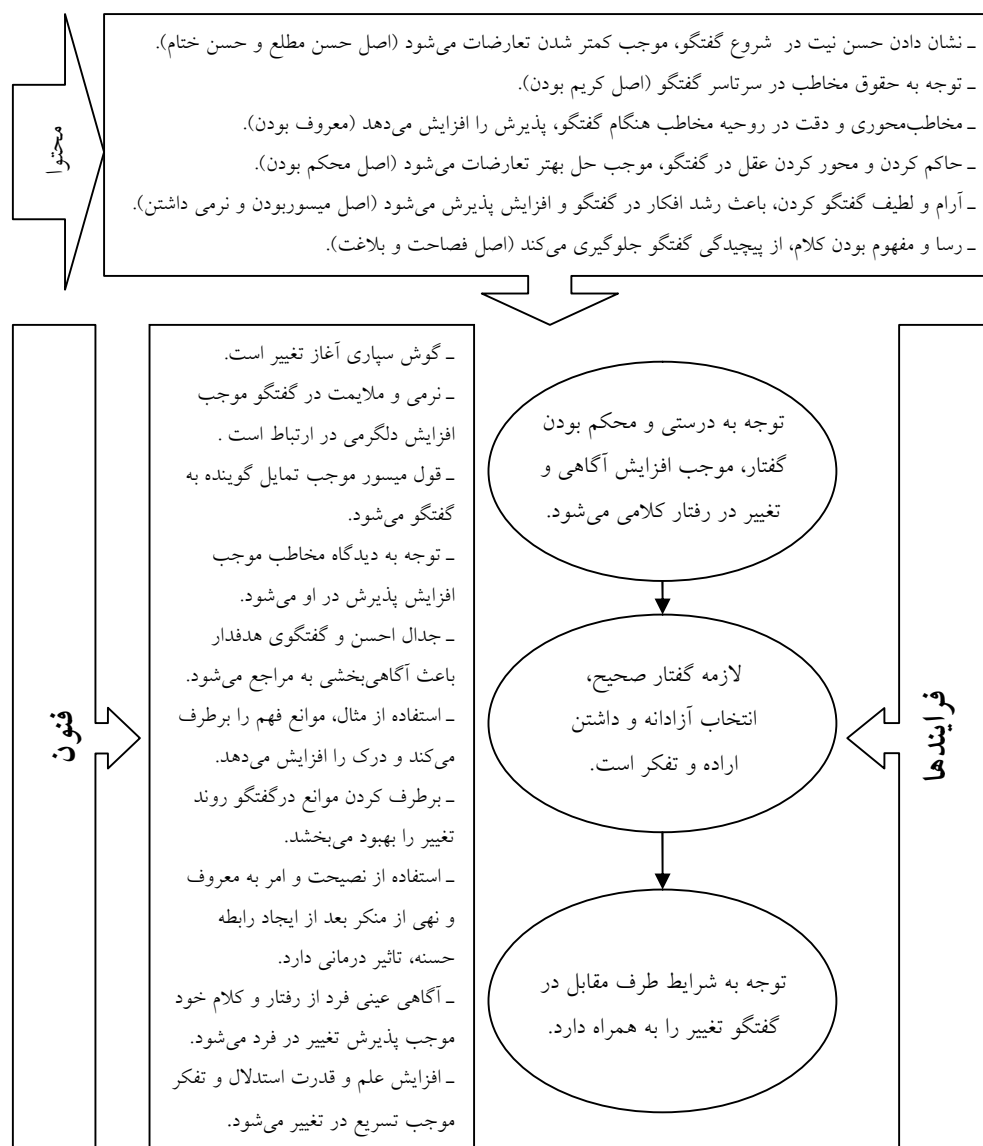
جلسه نهم: جمع‌بندی مباحث

یافته‌های پژوهش

الگوی روابط کلامی مبتنی بر آیات قرآن کریم در قالب محتوا، فرایند و فنون در نمودار ۱

دسته‌بندی شده است.

اثر بخشی آموزش الگوی روابط کلامی بر کاهش تعارضات مادر - دختر



یافته‌ها

در این بخش به نتایج مربوط به بررسی اثربخشی مداخله پژوهش پرداخته خواهد شد؛ بدین منظور، ابتدا یافته‌های توصیفی مربوط به آزمودنیها، و سپس پیش فرضهای آماری لازم بررسی خواهد شد و از روشهای آمار استنباطی برای تجزیه و تحلیل هر یک از فرضیه‌ها استفاده می‌شود. میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون تعارض مادران در گروه‌های آزمایش و کنترل در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون تعارض مادران در گروه‌های آزمایش و کنترل

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		گروه	
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین		
۸/۳۶	۹/۶۲	۹/۵۴	۳۴/۵۰	مادران	آزمایش
۸/۰۴	۸/۸۷	۸/۸۹	۳۹/۲۵	مادر- دختر	
۱۰/۴۸	۱۵/۸۷	۸/۰۶	۴۴/۲۵	دختران	
۹/۲۷	۳۴/۰۰	۹/۲۹	۳۳/۸۷	مادران	کنترل
۴/۳۳	۳۰/۲۵	۳/۹۹	۲۸/۷۵	دختران	

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین نمره‌های تعارض مادران تمامی گروه‌های آزمایش در مرحله پس‌آزمون، نسبت به مرحله پیش‌آزمون، کاهش داشته است؛ اما در گروه‌های کنترل در مرحله پس‌آزمون، تغییر قابل توجهی نسبت به مرحله پیش‌آزمون، ملاحظه نمی‌شود. میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون تعارض دختران در گروه‌های آزمایش و کنترل در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های پیش آزمون و پس آزمون تعارض دختران در گروه‌های آزمایش و کنترل

پس آزمون		پیش آزمون		گروه	
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین		
۸/۲۴	۱۳/۰۰	۳/۶۲	۳۱/۵۰	مادران	آزمایش
۶/۷۴	۷/۸۷	۱۰/۹۳	۳۹/۱۲	مادر - دختر	
۱۰/۱۹	۲۴/۶۲	۵/۱۶	۴۱/۸۷	دختران	
۶/۱۶	۳۵/۶۲	۶/۳۹	۳۴/۶۲	مادران	کنترل
۹/۸۶	۲۵/۸۷	۸/۹۵	۲۴/۸۷	دختران	

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانگین نمره‌های تعارض دختران در تمامی گروه‌های آزمایش در مرحله پس آزمون، نسبت به پیش آزمون کاهش داشته است؛ اما در گروه‌های کنترل در مرحله پس آزمون، تغییر قابل توجهی نسبت به مرحله پیش آزمون، ملاحظه نمی‌شود.

از آنجا که در این پژوهش به منظور بررسی استنباطی فرضیه‌ها از روش تحلیل کواریانس استفاده می‌شود، لازم است ابتدا پیش‌فرضهای تحلیل کواریانس، شامل پیش‌فرض عادی بودن توزیع نمره‌ها و پیش‌فرض تساوی واریانسها، مورد بررسی قرار بگیرد.

پیش‌فرض عادی بودن توزیع نمره‌ها

پیش‌فرض عادی بودن توزیع نمره‌ها، جزء مفروضه‌های اساسی برای آزمونهای پارامتری از جمله تحلیل کواریانس است. از جمله آزمونهایی که به بررسی این پیش‌فرض می‌پردازد، آزمون شاپیرو - ویلک است که عدم معناداری آن، نشانگر تحقق عادی بودن توزیع نمره‌ها است (مولوی، ۱۳۸۶). نتایج آزمون شاپیرو - ویلک برای نمره‌های پیش‌آزمون تعارض مادران و تعارض دختران به تفکیک گروه‌های آزمایش و کنترل در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون شاپیرو - ویلک در مورد عادی بودن توزیع نمره‌های تعارض مادران و تعارض دختران

متغیر	گروه	آزمون شاپیرو - ویلک		
		آماره	درجه آزادی	معنی‌داری
تعارض مادران	آزمایش	مادران	۸	۰/۲۹
		مادر- دختر	۸	۰/۵۰
		دختران	۸	۰/۴۰
	کنترل	مادران	۸	۰/۰۹
		دختران	۸	۰/۲۱
		مادران	۸	۰/۶۷
تعارض دختران	آزمایش	مادر- دختر	۸	۰/۰۴
		دختران	۸	۰/۰۰
		مادران	۸	۰/۰۷
	کنترل	مادران	۸	۰/۸۴
		دختران	۸	۰/۲۰
		دختران	۸	۰/۸۸

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، نتایج آزمون شاپیرو - ویلک در مورد بیشتر متغیرها نشانگر تأیید پیشفرض عادی بودن توزیع نمره‌هاست. تنها بخشی که آماره این آزمون، معنادار شده است، نمره‌های گروه‌های آزمایش مادر- دختر و دختران در متغیر تعارض دختران است.

پیش فرض تساوی واریانسها

پیش فرض تساوی واریانسها جزء مفروضه‌های مربوط به تحلیل کواریانس چند متغیره است که با عدم معناداری آزمون لوین مشخص می‌شود (مولوی، ۱۳۸۶). نتایج آزمون لوین برای دو متغیر تعارض مادران و تعارض دختران در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون لوین در مورد پیش فرض تساوی واریانسها

متغیر	شاخص	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معناداری
تعارض مادران	۳/۱۰	۴	۳۵	۰/۰۲	
تعارض دختران	۲/۸۵	۴	۳۵	۰/۰۳	

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، شرط همسانی واریانسها برای متغیرهای تعارض مادران و تعارض دختران، تحقق نیافته است؛ با این حال با توجه به تساوی تعداد گروه‌ها و با توجه

به برقراری نسبتاً کامل پیشفرض عادی بودن توزیع نمره‌ها، در این وضعیت، استفاده از تحلیل کواریانس به شرط همسویی نتایج آن با آزمون غیر پارامتری، قابل استناد است؛ به عبارت دیگر، همسویی نتایج آزمون غیر پارامتری با آزمون پارامتری انجام شده، نشانگر این است که عدم رعایت کامل پیش فرضها بر نتایج تأثیر معناداری نداشته است (مولوی، ۱۳۸۶؛ گلاس و استانلی، ۱۳۸۶). در این پژوهش بدین منظور از آزمون کروسکال - والیس استفاده شده است. در این بخش، فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روشهای آماری تحلیل کواریانس، آزمون کروسکال - والیس و آزمون تعقیبی LSD، مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج تحلیل کواریانس به منظور بررسی تفاوت بین گروه‌ها در متغیر تعارض دختران در مرحله پس آزمون، در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج تحلیل کواریانس به منظور بررسی تفاوت بین گروه‌ها در متغیر تعارض دختران

شاخصها منبع تأثیرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری	مجذور اتا	توان آماری
پیش آزمون	۴۰۴/۱۱	۱	۴۰۴/۱۱	۶/۸۵	۰/۰۱	۰/۱۶	۰/۷۲
عضویت گروهی	۴۲۴۰/۹۳	۴	۱۰۶۰/۲۳	۱۷/۵۳	۰/۰۰	۰/۶۷	۱
خطا	۲۰۵۵/۳۸	۳۴	۶۰/۴۵				

همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، نتایج تحلیل کواریانس، نشانگر این است که با کنترل نمره‌های پیش‌آزمون در مرحله پس‌آزمون، بین گروه‌های آزمایش و کنترل، تفاوت معناداری وجود دارد. توان آماری ۱ نیز نشانگر دقت آزمون و کفایت حجم نمونه است. نتایج آزمون کروسکال - والیس، به منظور مقایسه نمره‌های اختلافی مراحل پس‌آزمون و پیش‌آزمون تعارض دختران، نیز تأیید کننده نتایج تحلیل کواریانس است (مجذور $\chi^2 = ۲۹/۵۹$ ؛ $P = ۰/۰۰$).

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش به دنبال این بود که نشان دهد آیا آموزش الگوی روابط کلامی مبتنی بر آیات قرآن کریم بر کاهش تعارضات مادر و دختر تأثیر دارد یا خیر.

۱۷ طبق یافته‌های پژوهش، فرضیه تحقیق پذیرفته، و آموزش الگوی روابط کلامی مبتنی بر آیات

قرآن کریم، موجب کاهش تعارضات دختران با مادران آنها شد. با در نظر گرفتن آموزش الگوی روابط کلامی مبتنی بر آیات قرآن کریم در زیرمجموعه دستورهای دینی، می‌توان از پژوهشهای ذیل به منظور تبیین پژوهش استفاده کرد.

طبق بررسی که در کلینیک میو^۱ در راجستر^۲ انجام شده است، رابطه مثبتی بین داشتن اعتقادات دینی و پایبندی به دستورهای آن و کاهش اختلالات رفتاری از جمله پرخاشگری وجود دارد (فیلیس^۳، ۲۰۰۳). انجام دادن رفتار دینی و پایبندی به آن در کاهش پرخاشگری کلامی و افزایش تعاملات اجتماعی بین فردی نقش مهمی دارد (علوی و همکاران، ۱۳۸۷).

طبق یافته‌های پالوما و پندلیون^۴ (۱۹۹۹)، عبادت و پیروی از دستورهای دین با تواناییهای بیشتر در سازگاری با افراد خانواده، روحیه بهتر و آشفته‌گی کمتر ارتباط دارد. پور غلامی و فراشبندی (۱۳۹۰)، در بررسی رابطه دینداری و کنترل خشم دانش‌آموزان نشان دادند که رابطه معناداری در التزام به دستورهای دین و کنترل پرخاشگری وجود دارد. پژوهش مؤمنی و شهبازی راد (۱۳۹۱)، بین افزایش معنویت و دینداری و افزایش راهبردهای مقابله‌ای با مسائل و مشکلات و تعارضات رابطه مثبت به دست آوردند؛ هم‌چنین دریافتند که افزایش آموزه‌های معنوی موجب بهبود کیفیت زندگی در برخورد با مسائل و تعارضات می‌گردد.

طبق یافته‌های اسمیت^۵ (۲۰۰۳)، دین می‌تواند از طریق برقراری نظم اخلاقی در فرد، رفتار او را در روابط بین‌فردی تحت تأثیر قرار دهد و نظام معنایی شامل هدفدار بودن و خود را شایسته احترام دانستن در فرد ایجاد کند. با استفاده از راهنماییهای اخلاقی دین، مهارت مدارا در برابر تنشهای زندگی در فرد افزایش می‌یابد.

آسایش زارچی و گلپاشا (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان نقش دینداری در پیش‌بینی پرخاشگری و ناسازگاری روانی، نشان دادند، افرادی که از سطح دینداری بالاتری برخوردارند، آسیب روانی و پرخاشگری کمتری دارند و میزان تنشهای بین آنها و خانواده کمتر می‌شود.

مورد دیگری، که اثربخشی آموزش الگوی روابط کلامی مبتنی بر آیات قرآن کریم بر کاهش تعارضات مادر و دختر را تبیین می‌کند، تأثیر آن در کاهش خشونت مادران و نوجوانان است،

1 - Mew Clinic
2 - Rochester
3 - Phillips
4 - Paloma & Pendelion
5 - Smith

دیوبند و پارسامهر (۱۳۹۰) در بررسی رابطه میزان دینداری والدین با خشونت فرزندان دبیرستانی، نشان دادند که بین دینداری والدین و خشونت میان فردی فرزندان، رابطه معناداری هست. هرچقدر والدین از دینداری بهتری برخوردار باشند در رفتار با فرزندان خود از رفتارهای خشونت‌آمیز کمتری استفاده می‌کنند. این همبستگی در ابعاد مختلف خشونت از جمله خشونت کلامی، خشونت جسمانی ملایم و شدید وجود دارد. ممتاز (۱۳۸۷) بیان می‌کند که کنترل درونی در افراد با ایجاد وجدان، یعنی درونی کردن هنجارها، ارزشها و نیز احساس شرم و گناه تقویت می‌شود. والدینی که از دینداری بهتری برخوردارند، بیشتر می‌توانند این ارزشها و هنجارها را در نوجوان درونی کنند و کنترل درونی را در فرد افزایش دهند؛ بنابراین هنگام ایجاد تعارض، فرد کنترل درونی بیشتری دارد و کمتر به پرخاشگری متوسل می‌شود. طبق بررسیهایی که انجام شده است، رابطه مثبتی بین داشتن اعتقادات دینی و پایبندی نسبت به آن و کاهش اختلالات رفتاری از جمله پرخاشگری وجود دارد (فیلیپس، ۲۰۰۳).

هم‌چنین آموزش الگوی روابط کلامی مبتنی بر آیات قرآن کریم با افزایش مهارتهای استدلال و ایجاد قول محکم می‌تواند در کاهش تعارضات بین مادر - دختر مؤثر باشد. اسلامی (۱۳۸۸) در بررسی رابطه ناشی از فراشناخت اخلاقی با استدلال و رفتار اخلاقی، نشان داد که رابطه محکمی بین فرا اخلاق یا فرا شناخت اخلاقی با افزایش استدلال وجود دارد. افرادی که از فرا اخلاق قویتری برخوردارند با توجه به اطلاعاتی که دارند، می‌توانند برای حل مسئله و تعارضات خود از استدلال استفاده کنند و رفتارهای اخلاقی بیشتری را بروز دهند.

یکی از ویژگیهای محتوایی روابط کلامی مبتنی بر قرآن کریم، این است که آرام و لطیف گفتگو کردن، باعث رشد افکار در گفتگو و افزایش پذیرش می‌شود. پارگمنت، کوئینیک و پرز^۱ (۲۰۰۰)، رفتار دینی را در خدمت افزایش راحتی و صمیمیت در رفتار بین فردی و کنترل رفتار می‌دانند. هم‌چنین آموزش محتوایی روابط کلامی مبتنی بر آیات قرآن کریم با افزایش قول نرم و همراه با نرمش می‌تواند در کاهش تعارضات بین مادر - دختر مؤثر باشد. لواندوسکی، هوث بوکس و اسمیل^۲ (۲۰۰۲)، نشان دادند که خانواده‌هایی که در رفتار با نوجوان ملایمتر و عاری از خشونت هستند، به نسبت خانواده‌هایی که رفتار خشن با نوجوان دارند، کمتر دچار تعارض غیر قابل حل با نوجوانانشان می‌شوند؛ هم‌چنین در حل تعارضات بین خود و فرزندانشان احترام و

نرمش کلامی بیشتری حاکم است.

طبق فنون برگرفته از روابط کلامی مبتنی بر قرآن کریم، جدال احسن و گفتگوی هدفدار باعث آگاهی بخشی به فرد مقابل می شود. لارسن و کولینز^۱ (۱۹۹۴)، نشان دادند که رشد شناختی و افزایش قدرت استدلال، باعث تشویق افراد به استفاده از گفتگو و بحث سازنده در حل تعارضات بین فردی می شود و نوجوانان تمایل بیشتری در استفاده از گفتگو و استدلال در حل تعارضات دارند. از فنون برگرفته از روابط کلامی مبتنی بر قرآن کریم، برطرف کردن موانع در گفتگو و گوش سپاری است که می توان آنها را از مهارت های اجتماعی بر شمرد. دان^۲ (۱۹۹۳)، نشان داد که کسب مهارت های اجتماعی در نوجوانان با افراد مختلف، موجب حل و فصل دوستانه اختلافات می شود. وی هم چنین رابطه معنی داری بین حل اختلافات و کسب مهارت های اجتماعی گزارش کرد.

جنسن - کمپل و گرازیانو^۳ (۱۹۹۶) در تحقیقی با عنوان ارتباط بین روابط و شخصیت و مدیریت تعارض بین فردی نشان دادند، استفاده از استدلال بهترین انتخاب برای برخورد با تعارض بین فردی والد - نوجوان است. پیرس، اکسین^۴ (۱۳۸۲) تأثیر زندگی دینی را بر کیفیت مناسبات خانواده مورد بررسی قرار دادند. یافته های این پژوهش نشان داد که رفتار دینی، چارچوب ارزشی مشترکی ایجاد می کند که اگر مادر و فرزند رفتار مشابهی داشته باشند، پیوندهای اجتماعی آنها تقویت می شود.

پیشنهاد های پژوهشی و کاربردی

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می شود پژوهشگران بعدی:

- این پژوهش را در مورد پسران، دختران و پدران، هم چنین پسران و پدران آنها نیز انجام دهند و نتایج آن را مورد ارزیابی قرار دهند.
- این پژوهش را به منظور تعمیم پذیری بیشتر در مناطق مختلف کشور تکرار کنند.
- این پژوهش را می توان در محیط های شغلی، به منظور ارزیابی سطح تعارض کارمندان نیز انجام داد.

1 - Laursen & Collins

2 - Dunn.

3 - Jensen-Campbell & Graziano.

4 - Pearce & Auxin.

هم‌چنین پیشنهادهای کاربردی ذیل قابل طرح است:

- این پژوهش می‌تواند روشی مفید برای کاهش تعارض در تمام ارگانها و بین اقشار مختلف جامعه باشد.
- یافته‌های این پژوهش می‌تواند به صورت بسته‌ای آموزشی درمانی برای مشاوران و آموزش و پرورش مورد استفاده قرار گیرد.

یادداشت

۱ - قرآن کریم: (بقره / ۲۶۳؛ واقعه / ۲۶).

منابع

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
- آسایش زارچی، محسن؛ گلپاشا، الهه (۱۳۹۳). نقش دینداری در پیش‌بینی پرخاشگری و ناسازگاری روانی. کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه.
- احمد زاده، سید مصطفی (۱۳۹۲). اصول حاکم بر ارتباطات کلامی میان فردی از دیدگاه قرآن کریم. فصلنامه پژوهش‌های قرآنی. شماره ۴۶ و ۴۷: ۳۱۹ تا ۳۰۸.
- اسلامی، فرزانه (۱۳۸۸). بررسی رابطه ناشی از فراشناخت اخلاقی (فرا اخلاق)، با استدلال و رفتار اخلاقی. مجله رشد مشاور مدرسه. شماره ۱۶. ۵۴ تا ۵۷.
- برک، لورا (۱۳۹۲). روانشناسی رشد. ج ۱. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ارسباران.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۹). روانشناسی نوجوان و جوانان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پروچاسکا، جیمز؛ نوراکس، جان (۱۳۹۱). نظریه‌های روان درمانی (نظام‌های روانی). ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ارسباران.
- پیرس، لیزادی؛ جی اکسین، ویلیام (۱۳۸۲). تأثیر زندگی مذهبی خانوادگی بر کیفیت مناسبات مادر - فرزندی. ترجمه سعدالله سرخوش. فصلنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز. شماره ۱۴: ۲۱۷ تا ۱۸۵.
- تمیمی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۸). غررالحکم و دررالکلم. ترجمه شیخ محمد علی انصاری شوشتری. مشهد: مؤسسه الجواد.
- ثنایی ذاکر، باقر (۱۳۷۹). مقیاس سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت.
- خوش‌منش، ابوالفضل؛ محمدی انویق، مجتبی (۱۳۹۳). بایدها و نبایدهای گفتار از دیدگاه قرآن کریم. مجله علوم قرآن و حدیث، آموزه‌های قرآنی. شماره ۱۹: ۳۰ تا ۴۳.
- درویش محمدی، مژگان (۱۳۹۱). راهبردهای روانشناختی، بلوغ و نوجوانی. مجله رشد مشاور مدرسه. ش ۳۰: ۵۰ تا ۵۲.

- دیوبند، فائزه؛ پارسامهر، مهربان (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین دینداری والدین با خشونت میان فردی فرزندان پسر دبیرستانی. *مجله روان‌شناسی و دین*. شماره ۱۴، ش ۱: ۷۱ تا ۸۷.
- رفعتی، مریم (۱۳۹۳). بررسی ارتباطات میان فردی با تأکید بر ارتباط کلامی. *مجله روابط عمومی*. شماره ۳۷: ۹۳ تا ۴۱.
- شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی آلن (۱۳۹۰). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر نما.
- علوی، سید سلمان؛ ثابت قدم، مرتضی؛ امانت، سیامک؛ نورایی، زهرا؛ حسینی، اعظم (۱۳۸۷). نقش مذهب در کاهش پرخاشگری. *مجله روانشناسی و دین*. شماره ۴.
- علیزاده، حمید (۱۳۸۰). تعامل والدین - فرزند. *مجله پژوهش‌های روانشناختی*. شماره ۱۲: ۱۰۲ تا ۸۲.
- فراشبندی، رضا (۱۳۹۱). *بررسی رابطه بین دینداری و کنترل خشم در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهرستان فراشبند (فارس)*. همایش ملی آسیب‌شناسی مسائل جوانان.
- فرایدی، نانی (۱۳۷۸). *مادرم = خودم*. ترجمه زهره زاهدی. تهران: جیحون.
- کول، کریس (۱۳۷۶). *فهمیدن، فهماندن و ارتباط مؤثر*. ترجمه پروانه کارکیا. تهران: مترجم.
- گیتی پسند، زهرا؛ آراین، سیده خدیجه؛ کرمی، ابوالفضل (۱۳۸۷). اثربخشی درمان راه حل مدار بر کاهش تعارضات والد - فرزندی در نوجوانان دختر. *مجله پژوهش‌های مشاوره*. شماره ۲۷: ۸۰ تا ۶۳.
- مؤمنی، خدامراد؛ شهبازی راد، افسانه (۱۳۹۱). رابطه معنویت، تاب‌آوری و راهبردهای مقابله‌ای با کیفیت زندگی دانشجویی. *نشریه علوم رفتاری*. شماره ۲.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۸). *بحارالانوار*. تهران: المهدی.
- مخاطب، محمد (۱۳۹۱). مهارت استفاده از روش بحث و گفتگو در خانواده. *مجله پیوند*. شماره ۳۹۰ و ۳۹۱: ۳۶ تا ۳۸.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۲). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۷). *انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مولوی، حسین (۱۳۸۶). *راهنمای عملی SPSS 10-13-14 در علوم رفتاری*. اصفهان: انتشارات پویا اندیشه.
- میکوچی، ژوزف (۱۳۹۲). *نوجوان و خانواده درمانی؛ روشهای اصلاح چرخه معیوب تعارض - کنترل*. ترجمه فریده همتی. تهران: نشر رشد.
- هارجی، اون (۱۳۸۸). *مهارت‌های اجتماعی در ارتباط میان فردی*. ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت. تهران: رشد.

- Dunn, J. (1993). *Young children's closer relationships beyond attachment*. Newbury park, CA: sage.
- Hovland, C. (1984). " **Social communication**", in procedure of the American philosophical society, November.
- Jensen-Campbell, L.A, and Graziano, W. G. (1996). **Personality and relationships as moderators of interpersonal conflict in adolescence**. Merrill- Palmer quarterly, vol, 42. No.1.

- Laursen, B., Collins, W.A. (1994). Interpersonal conflict during adolescence. **Psychological Bulletin**, 115, 197-207.
- Levandosky, A. A., Huth-Bocks, A., & Semel, M. A. (2002). Adolescent with domestic violence. **Journal of clinical child and adolescent psychology**, 31, 206-218.
- Paloma, M.M., Pendelion, BF. (1999). The effect of prayer and preyer experiences on measures of general well- being. **Journal of psychology and theology**. 71- 83.
- Pargament KI, Koenig HG, Perez LM. (2000). The many methods of religious coping: Development and initial validation of the RCOPE. **Journal of Clinical Psychology**. 56(4):519-543. doi: 10.1002/(SICI)1097-4679(200004)56:4<519::AID-JCLP6>3.0.CO;2-1.
- Phillips, SJ, Whisant J.P. (2003). **Psychiatry undermines religion to create a mental health state**. 12-20.
- Smith. CH. (2003). Theorizing religious effects among American adolescents. **Journal of the scientific study of religion**. 4:1, 17-30.